

نشریه ادبیات تطبیقی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال ۷، شماره ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۴

بررسی و تطبیق اندیشه‌های اجتماعی در شعر

بدر شاکر السیاب و قیصر امین پور

(علمی - پژوهشی)

عباس گنجعلی*^۱

نعمان انق^۲

چکیده

شعر معاصر، توجه به مسائل اجتماعی را سرلوحه مضامین خویش قرار داده و شاعرانی را به تاریخ معرفی کرده‌است که در تصویر مفاهیم اجتماعی و حل مشکلات جامعه کوشیده‌اند. بدر شاکر سیاب، شاعر معاصر عراقی، و قیصر امین پور، از جمله ادیبانی هستند که تعهد به مسائل اجتماعی، بخش بزرگی از دغدغه‌های ذهنی آنها بوده‌است. انعکاس ظلم و فساد جامعه، دعوت به صلح، آزادی و تشویق به مبارزه و جهاد، از برجسته‌ترین مضامین اجتماعی این دو شاعر است. در این پژوهش، سعی کرده‌ایم با محوریت این چهار مضمون در شعر این دو شاعر، به بررسی و کشف مصادیق هم‌نوایی و تبیین تفاوت‌های نگاه آنها که متعلق به دو محیط جغرافیایی و فرهنگی متفاوت‌اند، پردازیم تا معلوم شود چگونه اندیشه‌ای اجتماعی در نقطه‌ای از جهان ظهور می‌کند و در نقطه‌ای دیگر، همان اندیشه، به گونه‌ای دیگر مجال بروز می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: ادبیات تطبیقی، اندیشه‌های اجتماعی، سیاب، امین پور.

^۱ - استادیار رشته زبان و ادبیات عربی دانشگاه حکیم سبزواری : Abbasganjali@yahoo.com

^۲ - دانشجوی دکتری دانشگاه حکیم سبزواری

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۹/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۱۴

۱- مقدمه

آغاز قرن بیستم، نقطه شروع تحولاتی بزرگ در سطح جوامع انسانی بود؛ دستاوردهای بشر در حوزه فناوری، فراگیر شدن نهضت ترجمه، گسترش صنعت چاپ و انتشار مطبوعات از جمله این تحولات است. در حوزه ادبیات و شعر نیز شاهد تغییراتی جدی در حوزه لفظ و معنا هستیم. التزام و تعهد شاعران نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی از جمله این تغییرات است. شاعران از این تاریخ به بعد پژواک همه جریانات و تحولاتی شدند که انسان‌ها تجربه می‌کردند. آنان با اشعار خویش به کمک هم نوعان خود شتافتند و شعرشان را آینه تمام‌نمای مشکلات جامعه بشری قرار دادند.

بدر شاکر السیاب شاعر بلند آوازه عراقی و قیصر امین پور شاعر توانمند ایرانی، از جمله شاعرانی هستند که تعهد به مسائل اجتماعی انسان‌ها را سرلوحه مضامین شعری خویش قرار داده و آثار ارزشمندی در این حوزه از خود به یادگار گذاشته‌اند. انعکاس ظلم و فساد موجود در جامعه، دعوت به صلح، آزادی و تشویق به مبارزه و جهاد، از برجسته‌ترین مضامین اجتماعی در آثار این دو شاعر است.

۱-۱- بیان مسئله

نوشته حاضر بر آن است تا شکل انعکاس مفاهیم یاد شده را در شعر این دو شاعر بررسی کرده و اتخاذ شیوه‌های مشترک و احیاناً متباین در قبال مسائل اجتماعی را در شعر آن‌ها نشان دهد تا معلوم شود که چگونه اندیشه‌ای در نقطه‌ای از جهان توسط شاعری مطرح و در نقطه‌ای دیگر، همان اندیشه به گونه‌ای دیگر مجال بروز می‌یابد؟! بنابراین پرسش‌های اساسی این تحقیق این است: ۱- برجسته‌ترین مضامین اجتماعی شعر سیاب و قیصر کدام است؟! ۲- مهم‌ترین تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو شاعر در پرداختن به مضامین اجتماعی کدام‌اند؟!

۱-۲- پیشینه تحقیق

درباره پیشینه این تحقیق، لازم به ذکر است که پس از جست‌وجو در سایت مجلات علمی داخل و خارج کشور، بویژه مجلات موجود در پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (sid.ir)، هیچ مطلبی یافت نشد که با موضوع مورد بحث هم‌خوانی داشته باشد ولی درباره اندیشه‌های اجتماعی این دو شاعر، با نگاهی کاملاً متفاوت، پژوهش‌هایی صورت گرفته است که به آنها اشاره می‌شود:

- «تحلیل تطبیقی درون‌مایه‌های مقاومت در اشعار سمیح القاسم، حسن حسینی و قیصر امین‌پور»، نوشته کبری روشنفکر، مرتضی زارع برمی، حسینعلی قبادی، فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی.

- «دفاع مقدس، تعهد و تحول در شعر قیصر امین‌پور»، نوشته محمدرضا صرفی و سیدرضا هاشمی، نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان.

- «جنگ و کودکی در آثار قیصر امین‌پور»، نوشته مجید بهره‌ور و مریم نیک‌خواه نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان.

- «ملاحم المقاومة فی شعر قیصر امین‌پور و عزالدین المناصرة (دراسة مقارنة)»، نوشته یحیی معروف و رضا کیانی، مجله العلوم الإنسانية الدولية.

- «المبنى الإزدواجی فی شعر بدر شاكر السياب»، نوشته معصومه نعمتی قزوینی و همکاران، مجله اللغة العربية و آدابها، پردیس قم دانشگاه تهران.

- «دور الشعر الكلاسیکی و الحرّ فی الحیاة الإجتماعیة و السیاسیة العربیة»، نوشته دکتر نادر نظام‌تهرانی، مجله اللغة العربية و آدابها.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

انجام پژوهش‌هایی این‌چنین، می‌تواند تلاشی مؤثر باشد در جهت تعیین مصادیق هم‌نواپی و احیاناً تبیین تفاوت‌هایی که در اشعار این دو شاعر و به تبع آن در دو ادب فارسی و عربی نمایان

است. همچنین، روش این پژوهش، تحلیلی- توصیفی و با رویکرد تطبیقی مکتب آمریکایی است که با تحلیل شواهد درون‌متنی انجام می‌گیرد. برای نظم و انسجام پژوهش، مهم‌ترین درون‌مایه‌های اجتماعی شعر دو شاعر در قالب چهار عنوان: «آزادی، صلح‌طلبی، بازتاب ظلم و فساد جامعه و تشویق به مبارزه و جهاد» بررسی شده‌است. داده‌های مورد استفاده در این پژوهش، «مجموعه کامل اشعار قیصر امین‌پور» شامل هفت دفتر: «دستور زبان عشق»، «گل‌ها همه آفتابگردان‌اند»، «آینه‌های ناگهان»، «تنفس صبح»، «مثل چشمه مثل رود»، «به قول پرستو» و «منظومه ظهر روز دهم»، به‌اضافه مجموعه «در کوچه آفتاب» از قیصر امین‌پور و «الأعمال الشعریة الکامله» سیاب است.

۲- بحث

سیاب، در دوران حکومت ظالمانه ملک فیصل و سپس، در دوران دیکتاتوری عبدالکریم قاسم می‌زیست. در آن زمان ملت‌ها از فجایع جنگ جهانی دوم رنج می‌بردند. انفجار بمب اتمی و فروریختن آن بر سر مردم هیروشیما در ژاپن، یک مصیبت و فاجعه انسانی بود که عمق وجدان انسان آن روزگار را تکان داد. در عراق نیز اموری همچون منع آزادی بیان، تبعید آزادمردان توسط دولت، تسلط نظام ارباب‌رعیتی، سیطره اجانب و احتکار ثروت دولت توسط بیگانگان، اموری بودند که مردم از آن رنج می‌بردند. (نعمان، ۱۴۲۶: ۴۷)

دنیا در نظر سیاب در آن روزها، به دو قطب «استعمار سرمایه‌داری» و «سوسیالیسم دموکراتیک» و جامعه نیز در رویکرد سیاسی او، به دو دسته «سرمایه‌دار بهره‌مند» و «کارگر فقیر» تقسیم می‌شد. سیاب، راغب بود که در این تناقضات، با گروه دوم همگام باشد و در دگرگونی نظام و اصلاح سیر تاریخ، احساس مسئولیت کند. (بلاطه، ۲۰۰۷: ۴۸-۴۹)

قیصر نیز در برهه‌ای از دوران زندگی خود، شرایط سیاسی و اجتماعی تقریباً مشابه با شرایط سیاب را تجربه کرد. او در ابتدا، شاهد حوادث قبل از انقلاب اسلامی و مبارزه مردم علیه رژیم پهلوی بود، سپس، شاهد حوادث بعد از پیروزی انقلاب تا پایان جنگ و بعد، استقرار نظام اسلامی و ثبات سیاسی در کشور بود. در فاصله سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان جنگ، اشعار

قیصر اغلب اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی او را منعکس می‌کند اما از سال ۱۳۷۶، اشعار او از نظر محتوای سیاسی کم‌رنگ‌تر شده و بیشتر از نظر اجتماعی وضوح می‌یابد.

۲-۱- محور اندیشه‌های اجتماعی قیصر و سیاب

سیاب و قیصر هر دو، شخصیتی معترض و روحی سرکش داشتند و همین امر باعث گردید که هیچ‌گاه تسلیم واقعیت‌های حاکم بر جامعه نشوند و اعتراض خود را در قالب شعر نشان دهند. پیوستن سیاب به حزب کمونیست و سپس، جدایی از این حزب و روی آوردن به نیروهای ملی و گرایش قیصر به نیروهای انقلابی و هم‌نوایی با آنها در میدان جنگ تحمیلی نشانگر همین روح سرکش و تعهد اجتماعی است. آزادی، صلح‌طلبی، بازتاب فساد و ستم جامعه و تشویق به مبارزه و جهاد، از برجسته‌ترین مضامین اجتماعی در اشعار این دو شاعر است.

۲-۱-۱- مفهوم آزادی در شعر قیصر

قیصر از آزادی، برداشت‌های گوناگونی دارد؛ مفهومی که با رشد و تطور اندیشه او و همچنین با تغییر شرایط اجتماعی، ابعاد مختلفی به خود گرفته است؛ در دوران جنگ، معنای «رهایی از قید اسارت دشمن» را به خود می‌گیرد، در اواخر جنگ و سال‌های آغازین بعد از جنگ، معادل است با «رهایی نفس از قید تعلقات» و در سال‌های پس از جنگ، در مفهوم اجتماعی آن، یعنی «رهایی انسان در معنی عام و مطلق» به کار می‌رود و در این مرحله است که قیصر نسبت به عملکرد اجتماع و فقدان آزادی بیان، اعتراضی آشکار دارد. (ابوالقاسمی و علیه‌پور، ۱۳۸۸: ۱۳)

قطعه «دریای آزادی» از مجموعه «مثل چشمه مثل رود»، مفهوم آزادی در معنی «رهایی از اسارت دشمن متجاوز» را نشان می‌دهد؛ به عبارت دیگر، آزادی در معنی «رهایی از نیرنگ دشمنان مرزهای جغرافیایی کشور» است. در این قطعه، «دریا» نماد مردم انقلابی مسلمان ایران است که با موج‌های پرتلاطم (عملیات در میدان نبرد) بر دشمن می‌تازند:

- «دم به دم در پهنه دریا/ موج شکلی تازه می گیرد/ یک نفر با خط کشی کوچک/ موج را اندازه می گیرد/ از پی هر موج، سرگردان/ روز و شب بیهوده می تازد/ تا بریزد موج دریا را/ در قفس هایی که می سازد.» (امین پور، ۱۳۹۱: ۴۷۳)

شاعر در ادامه می گوید که مؤمنان دریایی این سرزمین، همانند ماهی های دریای بی کران آزادی، در قفس های کوچک آنان جای نمی گیرند:

- «در قفس، دریا نمی گنجد/ زان که کار موج پرواز است/ ما همان دریای آزادیم/ دشمن ما آن قفس ساز است.» (همان: ۴۷۴)

اما نگاه قیصر به آزادی در معنای «رهایی انسان از تعلقات» را می توان در قطعه «ترانه ای برای آشتی»، در مجموعه شعری «به قول پرستو» مشاهده نمود. قیصر در این قطعه، آزادی را رهیدن از خاک و در مفهوم عرفانی «رهایی انسان از تعلقات» می داند:

- «چه می شد اگر مثل پروانه ها/ کمی دست و پای دلت باز بود/ به هر جا دلت خواست سر می زدی/ از این خاک امکان پرواز بود.» (همان: ۵۲۹)

بدون شک این نوع نگاه به مفهوم آزادی، ریشه در بینش اسلامی شاعر دارد زیرا اسلام، آزادی انسان را در رهایی از بند تعلقات و هواهای نفسانی می داند.

اما نگاه قیصر نسبت به مفهوم آزادی با بُعد اجتماعی آن را می توان در قطعه «همزاد عاشقان جهان (۳)» از مجموعه «دستور زبان عشق» مشاهده کرد. شاعر در مصراع هایی از آن، به خفقان اجتماعی و نبود آزادی بیان اشاره می کند و با استفاده از تناسب و آژگانی چون «کتابخانه، کتاب، مطالعه و هیس» به تصویرسازی سکوت، ترس و وحشت در جامعه می پردازد:

- «ما بی صدا مطالعه می کردیم/ اما کتاب را که ورق می زدیم / تنها / گاهی به هم نگاهی .../ ناگاه/ انگشت های «هیس»! / ما را از هر طرف نشانه گرفتند/ انگار/ غوغای چشم های من و تو / سکوت را / در آن کتابخانه رعایت نکرده بود!» (همان: ۸ و ۹)

نمونه دیگر این تعبیر را می‌توان در قطعه «روایت رؤیا»، از همین مجموعه (دستور زبان عشق) مشاهده کرد؛ شاعر با تلمیح به داستان حضرت یوسف (ع) از اجتماعی سخن می‌گوید که خفقان حاکم بر آن، به فرد اجازه ابراز و بیان آرزوها و رؤیاهای صادقانه‌اش را نمی‌دهد. جامعه‌ای که شما نمی‌توانید آزادانه، آرزوها و حتی خواب‌های خود را گزارش کنید تا آنجا که برادران عزیز و حسودت، خواب تو را در چاه اسارت تعبیر خواهند کرد:

- «فرزندم! / رؤیای روشن را / دیگر برای هیچ کسی بازگو مکن! / - حتی برادران عزیزت - / می‌ترسم / شاید دوباره دست بیندازند / خواب تو را / در چاه / شاید دوباره گرگ...» (همان: ۱۰)

قیصر همچنین، در قطعه‌های «نیمه پر لیوان»، «بفرمایید»، «آرمانی (۲)»، «آرمانی (۳)»، از مجموعه «دستور زبان عشق» و قطعه‌های «آرمانی (۱)»، «الهی»، «احوال پر سی»، «دنیای راه‌راه» و «مغالطه کار» از مجموعه «گل‌ها همه آفتابگردان‌اند»، به رهایی و آزادی و آزادی‌خواهی توجه ویژه‌ای دارد.

در مورد بیان مفهوم آزادی در آثار قیصر به نکاتی چند اشاره می‌شود:

۱- در اکثر قطعه‌ها، شاعر از نماد و رمز برای بیان عقاید خود درباره آزادی بهره می‌گیرد. «پرنده، قفس، پنجره و دیوار»، بیشترین بسامد را در میان انواع نمادها برای بیان مفهوم آزادی در آثار قیصر به خود اختصاص داده‌اند.

۲- شاعر در برخی قطعه‌ها، از علائم سجاوندی برای بیان فقدان آزادی استفاده می‌کند؛ به عنوان مثال، در قطعه «روایت رؤیا» که پیش‌تر بدان اشاره شد، شاعر با آوردن عبارت «حتی برادران عزیزت»، در میان دو خط تیره (-) به ترسیم فضای خفقان و نبود آزادی پرداخته‌است.

۳- شاعر برای بیان اندیشه خود درباره فقدان آزادی، از تشبیهات و یا استعارات پیچیده استفاده نمی‌کند. همچنین، از اسطوره یا نمادگان، بهره‌ای نگرفته و با کمی تأمل می‌توان به کنه اندیشه‌های او در این زمینه پی‌برد.

۲-۱-۲- مفهوم آزادی در شعر سیّاب

در چند دهه اخیر مفهوم آزادی در اشعار شاعران عربی، بسامد بسیار بالایی را به خود اختصاص داده است؛ مفهومی که نتیجه شرایط وخیم سیاسی و اجتماعی کشورهای عربی در این دوران است. استعمار کشورهای لیبی و الجزایر توسط ایتالیا و فرانسه، حکمرانی ترکان عثمانی بر کشور مصر، اشغال فلسطین توسط رژیم صهیونیستی و خفقان کشور عراق در زمان حکومت‌های ملک فیصل و عبدالکریم قاسم، از مصادیق بارز این شرایط است، بنابراین، شاعران عرب با محوریت آزادی سیاسی و مخالفت با دخالت بیگانگان در امور داخلی آنها، اعتراض خود را از شرایط موجود بیان کرده‌اند. سیّاب نیز از پیشگامان این معترضان است. اما نگاه سیّاب با نگاه قیصر در این موضوع تفاوت‌هایی دارد؛ سیّاب محور اندیشه‌های خود را در مورد آزادی، در مقوله «آزادی از بند استعمار و دخالت بیگانه» قرار می‌دهد؛ مقوله‌ای که در آن نه تنها به رنج کشور خودش، یعنی عراق، پرداخته بلکه به رنج سایر کشورهای عربی در بند استعمار نیز می‌پردازد، در حالی که اندیشه قیصر در این موضوع، محدود به «رهایی از قید اسارت دشمن»، یعنی تجاوز عراق به ایران، است اما در دو مقوله دیگر، یعنی «رهایی نفس از قید تعلقات و همچنین آزادی انسان در معنی عام و مطلق» که در آثار قیصر شاهد آن هستیم، تلاشی مؤثر از جانب سیّاب صورت نگرفته است.

سیّاب در قصاید بسیاری، از جمله «صحیفه الأحرار»، «یا أبا الأحرار» و «أعا صیر»، از فقدان آزادی در کشور خویش سخن گفته است؛ به عنوان نمونه، در سروده «أعا صیر»، این چنین مردم خویش را به قیام فرامی‌خواند:

فاعصفی یا شعوبُ فالکونُ لا یُر
ضیه إلا أن یعصفَ الأحرارُ
(السیّاب، ۲۰۰۰: ۴۹۹)

ترجمه: بوزید (پیا خیزید) ای مردم، زیرا که هستی تنها با خیزش آزادمردان راضی می‌شود.
و در سروده «صحیفه الأحرار» می‌گوید:

یا حابسین صـ حیفه الأحرار هل یمنعُ القیدُ استعارَ النارِ
 إن تحجبوها فهی حقدٌ كما منُّ بین الضلوعِ وصرخةِ استنکارِ
 (همان: ۵۰۵)

ترجمه: ای حبس‌کنندگان کتاب آزادی، آیا زنجیر می‌تواند شعله‌های آتش را بازدارد؟! اگر آن را مانع شوید، آن همانند کینه‌ها و فریادهای نفرتی خواهد بود که در میان سینه‌ها پنهان است.

سیّاب همچنین، برخی از سروده‌های خود را به بیان فقدان آزادی در برخی از کشورهای دیگر اختصاص داده‌است؛ به عنوان نمونه، در سروده «فی یوم فلسطین» از ایستادگی آزادی خواهان فلسطین در برابر اشغالگران می‌گوید:

و الحرُّ أبعدُ غایهً من أن یرى فی الدمعِ تخفیفاً من البرحاء
 فالحکمُ للدمِّ والسلاحُ المنتضی و الحربِ لا للدمعةِ الخرساء
 و النصرُ للشعبِ الذی لا ینثنی عن عزمِهِ والصولةِ النکراء
 (همان: ۴۹۸)

ترجمه: انسان آزاده، والاتر از آن است که چاره درد و غم‌هایش را در گریه کردن بداند. پس، حاکمیت از آن خون است و از آن شمشیرهای از نیام‌برکشیده و از آن جنگ و نه به خاطر اشک‌های گنگ؛ پیروزی از آن ملتی است که اراده‌ای استوار یابد و از آن یورش‌های قاطعانه و سخت است.

همچنین در قصیده «ربیع الجزائر»، از پایداری آزادی خواهان «الجزایر» برای بیرون راندن استعمارگران سخن گفته‌است:

«سلاماً بلاد اللظى و الخراب / و مأوی الیتامی و أرض القبور / أتى الغیث و انحلّ عقد السحاب /
 فروى ثری جائعاً للبدور / و ذاب الجناح الحديد.» (همان: ۱۴۵)

ترجمه: سلام بر سرزمین شراره‌های آتش و ویرانی / و پناهگاه یتیمان و سرزمین گورها / باران آمد و گره ابرها باز شد / و خاک گرسنه بذر را سیراب کرد / و بال‌های آهنین ذوب شد.

بنابراین می‌توان گفت که در شعر سیّاب، آزادی به معنای «رهایی از قید اجانب و استعمارگران»، دایره بسیار گسترده‌تری نسبت شعر قیصر دارد زیرا در آن، از محدوده کشور خویش خارج می‌شود و پای به سایر کشورها می‌گذارد اما قیصر گرایش بیشتری در نحوه به کارگیری نمادها و انواع صنایع بدیعی، نسبت به سیّاب دارد زیرا قیصر در اکثر قطعه‌های خویش، زبان نماد را برای بیان مفهوم آزادی برمی‌گزیند و سیّاب به صراحت‌گویی و سخن بدون نماد، تمایل بیشتری نشان می‌دهد.

۲-۱-۳- صلح طلبی در شعر قیصر

قیصر در ابتدای امر، تابع اندیشه‌های محوری و مرکزی انقلاب و در خدمت ضرورت‌های این عقیده بود ولی بعدها، به سمت رهایی همه بشریت از جنگ و خونریزی و رسیدن به صلح حرکت کرد. البته باید دانست که شعر قیصر برای صلح، به هیچ وجه نشانه تغییر نظر او نسبت به دفاع مقدس نیست بلکه با حفظ اصول اعتقادی‌اش، به سراغ مضامینی می‌رود که پیش‌تر چندان به آنها نپرداخته بود. قطعه‌های «طرحی برای صلح (۱)»، «طرحی برای صلح (۲)»، «طرحی برای صلح (۳)» و «روز ناگزیر»، از نمونه‌های این اشعار است. در این قطعه‌ها، شاعر «طرحی برای صلح ارائه می‌دهد؛ شعری که بیشتر به نمایشنامه‌ای موجز شباهت دارد، همراه با پایانی که مخاطب را به سوی حقیقت سوق می‌دهد.» (ایران‌زاده ۱۳۸۷: ۲۹-۳۱)

طرحی برای صلح (۱):

- «کودک / با گربه‌هایش در حیاط خانه بازی می‌کند / مادر، کنار چرخ خیاطی / آرام رفته در نخ سوزن / عطر بخارِ چای تازه / در خانه می‌پیچد / صدای در! _ «شاید پدر!» (همان: ۱۵)

طرحی برای صلح (۲):

- «شهیدی که بر خاک می خفت / چنین در دلش می گفت: / اگر فتح این است / که دشمن شکست، / چرا همچنان دشمنی هست؟» (همان: ۱۶)

طرحی برای صلح (۳):

- «شهیدی که بر خاک می خفت / سرانگشت در خون خود می زد و می نوشت / دو سه حرف بر سنگ: / به امید پیروزی واقعی / نه در جنگ، که بر جنگ!» (همان: ۱۷)

شاعر در قطعه «روز ناگزیر»، روز آرمانی خود را روزی می‌داند که خواب در دهان مسلسل‌ها، خمیازه کشد و توپ‌ها در دست کودکان از باد، پر شود:

- «و خواب در دهان مسلسل‌ها / خمیازه می‌کشد / و کفش‌های کهنه سربازی / در کنج موزه‌های قدیمی / با تار عنکبوت گره می‌خورند / روزی که توپ‌ها / در دست کودکان / از باد پر شوند.» (همان: ۲۳۸)

اما نکته مهم‌تر در این گونه از اشعار قیصر، این است که شاعر در بیشتر این سروده‌ها، برای محقق شدن این صلح، به ظهور یک مصلح ایمان دارد و این مصلح، همان حضرت مهدی (ع) است. قیصر در قطعه «صبح بی تو»، از مدینه فاضله‌ای سخن می‌گوید که با ظهور منجی موعود محقق می‌شود:

ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید آن‌که در دستش کلید شهر پر آینه
(همان: ۴۰۹)

در قطعه «فصل تقسیم»، از بهاری سخن می‌گوید که در پی آن، تمامی مشکلات جهان رفع می‌شود:

چشم تو لایحه روشن آغاز بهار طرح لبخند تو پایان پریشانی‌ها
(همان: ۳۵۶)

نمونه‌های دیگر این عقیده را می‌توان در قطعه‌های «عید»، «بفرماید»، «پیشواز»، «مهمانی» و «لحظه‌های کاغذی» مشاهده نمود.

۲-۱-۴- صلح طلبی در شعر سیاب

سیاب در برهه‌ای از زندگی خویش، گرایش شدیدی به رئالیسم پیدا کرد. جنگ جهانی دوم و فجایع حاصل از آن، از عوامل مؤثر این گرایش بود. در این دوران، محور قصاید سیاب، صلح و نفی خشونت میان افراد بشر است. قصیده «فجر السلام» (سپیده صلح)، از مشهورترین این قصاید است. سیاب در مقدمه این قصیده، نظر خود را پیرامون صلح این چنین بیان می‌کند:

«... جنگ بین خیر و شر، زندگی و مرگ، قابیل و هابیل از زمان‌های پیش بوده است اما امروز جنبش جهانی صلح، متبلور شده است. جهان امروز، همان‌طور که همیشه بوده، به آشوری‌ها و مصری‌ها، یونانی‌ها و ایرانی‌ها، مسیحیان و مسلمانان، کشورهای پیشرفته و عقب مانده، کمونیست و سرمایه‌دار تقسیم نمی‌شود بلکه به چیزی فراگیرتر که روح انسانیت در آن تجلی یافته است، تقسیم می‌شود، همان‌طور که بودا، مسیح و محمد و تمام پیغمبران و مصلحین، از زمان‌های گذشته تاکنون آن را بیان کرده‌اند. جهان امروز به گروه انسان‌های نیک و شر تقسیم می‌شود. انسان‌های نیک، فارغ از اختلافات نژادی، زبانی، دینی و عقاید سیاسی‌شان در اردوگاه واحدی که همان اردوگاه صلح است جمع می‌شوند و انسان‌های شر در اردوگاهی دیگر که اردوگاه دشمنان صلح هستند جمع می‌شوند. اگر از گروه افرادی باشید که مرگ را برای آن‌ها، پدران و مادران و کودکان‌شان و ویرانی و خرابی را برای خانه‌ها و مزارع و کلیساهایشان نمی‌خواهید... پس از گروه همین اردوگاه خیر یعنی اردوگاه صلح هستید، پس وظیفه تو آن خواهد بود که در خدمت این قضیه باشی، در راه خودت و در راه فرزندان و در راه تمامی مردمی که دوستشان داری.» (السیاب، ۲۰۰۰: ۴۴۵)

سیاب در این سروده، تحقق یافتن صلح را نوید می‌دهد؛ صلحی که می‌خندد و همه‌جا را با آوازهای طرب‌انگیز پر می‌کند:

هناكْ يَـرِنُ السَّلامُ كَأهدابِ طِفْلِ يَنامِ
ويضحكُ مِـلءَ الحُقُولِ وفي أُغْنِياتِ الغرامِ

(همان: ۴۴۸)

ترجمه: طنین صلح به گوش می‌رسد، به‌سان مژه‌های کودکی در خواب / می‌خندد و با خنده‌ها و آوازهای طرب‌انگیز خود، دشت‌ها و میدان‌ها را پر می‌کند.

اما نگاه سیّاب به صلح، با نگاه قیصر تفاوت‌هایی دارد. قیصر برای تحقق یافتن صلح، در بیشتر موارد، منتظر منجی موعود و مصلح است تا صلح را در جهان برقرار کند اما سیّاب بر این عقیده نیست. سیّاب، تحقق یافتن صلح را تنها در مبارزه با دشمن و قیام علیه تجاوزگران می‌داند؛ به‌عنوان نمونه، در همین قصیده «فجر السلام»، قیام ملت‌ها در راه استقلال و آزادی سیاسی و بیرون‌راندن سربازان بیگانه از وطن و اجازه‌ندادن به استعمارگران برای تبدیل کشور به مکانی برای جنگ و یورش را مهم‌ترین راه‌ها برای دستیابی به صلح دانسته‌است.

و اسْتَيْقَظَ الشَّرْقُ عَمَلًا قَدْ تَمَوْجُ عَلَيَّ عَيْنِيهِ دُنْيَا مِنَ الْأَحْقَادِ وَالشَّارِ

(همان: ۴۵۳)

ترجمه: شرق قهرمانانه و باهیت (غول آسا)، از خواب سنگین خود بیدار شده‌است، درحالی‌که در مقابل دیدگان او، دنیایی پر از کینه و انتقام موج می‌زند.

یا در قصیده «مرحی غیلان»، با زدن نقاب مسیح (ع) بر صورت خود، مردم خویش را به مبارزه و قیام برای به دست آوردن صلح فرامی‌خواند:

- «و الموت یرکض فی شوارعها و یهتف: یا نیام / هبوا فقد وُلد الظلام / و أنا المسیح أنا السلام.»

(همان: ۱۸۶)

ترجمه: مرگ در خیابان‌هایش، جولان می‌دهد و صدا می‌زند: ای به خواب رفتگان / برخیزید زیرا که تاریکی به دنیا آمده‌است / و من مسیح منادی صلح.

همچنان که در قصیده «ربیع الجزائر»، از سلاح قلم خویش برای برقراری صلح در آن کشور

مدد می‌جوید:

- «لو تستطیع الکلام / لصبّت علی الظالمین / حمیماً من اللعنات، من العار، من کل غیظ دفین /

ربیعک یمضغ قیح السلام.» (همان: ۱۴۵)

ترجمه: اگر (چشمان) را یارای سخن گفتن بود / هرآینه می ریخت بر ظالمان / آب داغ (سیل)
لنت‌ها، ننگ‌ها و کینه‌های مدفون را / بهارت چرکابِ (خوناب) صلح را می‌جود.

۲_۱_۵_ بازتاب فساد و ستم جامعه در شعر قیصر

همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، قیصر، شرایط سیاسی و اجتماعی مختلفی را در زندگی خود تجربه کرده‌است؛ حوادث قبل از انقلاب اسلامی و قیام مردم علیه رژیم پهلوی و سپس، حوادث بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان جنگ و بعد از آن، تحولات کشور بعد از پیروزی در جنگ تحمیلی، عمده این شرایط است و از آنجایی که فساد و ستم جامعه ایران، حاصل شرایط دوران قبل از انقلاب اسلامی است، باید مهم‌ترین اندیشه‌های شاعر را در بیان ظلم و ستم جامعه در اشعار مربوط به این دوران مشاهده نمود.

قیصر نام یکی از مجموعه‌های شعری خود را «تنفس صبح» می‌نامد؛ صبحی که در دل تاریکی شب طلوع کرد:

لبخند تو خلاصه خوبی‌هاست لختی بخند، خنده گل زیباست!
پیشانی‌ات تنفس یک صبح است صبحی که انتهای شب یلداست

(امین پور، ۱۳۹۱: ۴۰۷)

شاعر در مثنوی «فصل وصل»، از همین مجموعه، دوران اختناق و ظلم و ستم آن روزگار را «فصل کسالت» نامیده‌است:

چار فصل سال را رسم این نبود هیچ فصلی این چنین خونین نبود
دارد آن فصل کسالت می‌رود باز امید اصالت می‌رود

(همان: ۱۳۵)

قیصر در بیشتر موارد، با استفاده از نماد و مخصوصاً واژه «شب»، به بیان ظلمت، تیرگی و سیاهی آن دوران اشاره می‌کند:

- «... اینجا/ تنها ستارگان/ از برج‌های فاصله می‌بینند/ که شب چقدر موقع منفوری است/ اما اگر ستاره زبان می‌داشت/ چه شعرها که از بد شب می‌گفت/ گویاتر از زبان من گنگ...» (همان: ۳۸۵)

در جایی دیگر می‌گوید:

شب بود و سکوت بود و سوسوی خطر می‌ریخت غبار ترس در کوی خطر

(امین پور، ۱۳۶۳: ۸۱)

۲-۱-۶- بازتاب فساد و ستم جامعه در شعر سیّاب

سیّاب برخلاف قیصر، با پیوستن به حزب کمونیست، وارد موضع‌گیری‌های عملی برای مقابله با ظلم و فساد جامعه شد. همچنین، بیشترین توان شعری خویش را نیز در این راه گذاشت. سیّاب در قصاید مشهور خود، «المومس العمیاء»، «الأسلحہ و الأطفال»، «سندباد»، «غریب علی الخلیج» و «أنشودة المطر»، از فضای اختناق و ستم در جامعه خویش پرده برداشته است؛ به عنوان نمونه، در شعر «سندباد»، ناامیدی خود را از فضای ناپاک و سیاه اطراف خویش نقاشی نموده است و نمای بیابان، قبر، سرما، یخبندان و برهنگی که از همان آغاز ترسیم می‌کند، حکایت از شدت این اختناق دارد:

- «جوعانُ فی القبر بلا عَدَاءٍ / غُریان فی الثلج بلا رداء»، (السیاب، ۲۰۰۰: ۲۴۸)

ترجمه: گرسنه در قبر بدون غذا/ برهنه در برف بدون جامه.

در این فضای زمستانی، زندگی و حاصلخیزی به مرگ و قحطی تبدیل شده است و باران

حاصلی جز افسوس برای شاعر ندارد:

- «الموتُ فی الشّوارع/ و العُقمُ فی المزارع/ و کلُّ ما نُحِبُّه یموت»، (همان: ۲۵۰)

ترجمه: در کوچه و خیابان سایه مرگ/ کشتزارهای سترون/ هر آنچه دوستش داریم، خواهد مُرد.

به طور کلی، سروده‌های سیّاب را در این موضوع می‌توان با دو نگاه تقریباً متفاوت مشاهده کرد؛ در ابتدای امر، هنگامی که در حزب کمونیست فعالیت می‌کرد، فضای حاکم بر این گونه اشعار او، فضای امید به آینده و رهایی از وضع موجود است اما در سروده‌های اخیر او، این فضا به فضایی آکنده از یأس و ناامیدی تبدیل می‌شود.

از سروده‌های نوع اول، می‌توان به قصیده مشهور او «أنشودة المطر» اشاره کرد که شاعر در آن به آینده و رهایی از وضع موجود، امید دارد و این گونه رؤیاهای خود را ابراز می‌دارد:

- «فی كلّ قطرة من المطر / حمراء أو صفراء من أجنّة الزّهر / و كلّ دَمعة من الجیاع و العراء / و كلّ قطرة تُراق من دم العبید / هی ابتسام فی انتظار مبسم جدید / أو حلْمة تورّدت علی فم الولید / فی عالم الغد الفتی واهب الحیاة! / مطر... مطر... مطر... / سیعشَبُ العِراقُ بالمَطَر...» (همان: ۲۵۶)

ترجمه: در هر قطره باران / جنینی سرخ فام یا زرد گونه از گل هاست / و در هر اشکی از گرسنگان و برهنگان / و هر قطره‌ای که از خون بردگان می‌ریزد / لبخندی است که در انتظار لبانی تازه می‌ماند / یا سر پستانی سرخ شده در کام نوزاد است / در فردای نو، آن بخشنده زندگی: / باران... باران... باران... / عراق با باران، سرسبز خواهد شد...

همچنین در قصیده «سوبروس فی بابل»، فراهم آمدن آزادی و رستاخیز ملتش را امری بسیار دشوار اما شدنی و حتمی می‌پندارد. سیّاب در این قصیده، برای تحقق نوزایی در اندیشه و زندگی ملت عرب، گریزی از آمدن تموزی نجات بخش که در واقع، همان نسل آینده شاعر و ملت رنج دیده عراق است، نمی‌داند:

- «لیعو سوبروس فی الدروب / لینهش الألهة الحزینة، الألهة المروعة / فإن من دماها ستخضب الحبوب / سینبت الإلهة... / سیولت الضیاء / من رحیم ینز بالدماء.» (همان: ۲۵۹)

ترجمه: باید که سوپروس (سگ دربان جهنم)، در گذرگاه‌ها پارس کند/ تا خدایان غمگین
و ترسیده را گاز بگیرد/ پس قطعاً از خون‌هایش بذرها به بار خواهند نشست/ اله خواهد روید...
/ روشنایی زاده خواهد شد/ از زهدانی که از آن خون می‌تراود.

از نمونه‌های نوع دوم، می‌توان به شعر «مدینه السنبداد» او اشاره کرد که شاعر با مشاهده
از دست رفتن آرمان‌های سیاسی خود، خیزش و انقلاب عراق را انکار می‌کند، چرا که معتقد
است، آنچه او در گذشته، انقلاب فرض کرده بود، تنها سرو صدایی بی‌فایده و رعدوبرقی بود
که باران خون به همراه داشت و به همین علت، مرگ را بر زندگی ترجیح می‌دهد و می‌گوید:
- «و جئتَ یا مطر / تفجرتَ تشكَّ السَّماءُ و العُیوم / و شققَ الصَّخر / و فاضَ من هَبانك، الفراتُ
و اعتكر / و هبتَ القبورُ، هُزَّ موتها و قام / و صاحتِ العظام: / تبارك الاله، واهبُ الدَّم المطر. / فآه
یا مَطْر! / نوذُّ لو ننام من جدید / نوذُّ لو نموتُ من جدید / فَنوْمنا براعمُ انتباه / و موتنا یُحیی الحیاة.»
(همان: ۲۴۸)

ترجمه: و آمدی ای باران/ آسمان شکافت و ابرها تو را در هر کران پاشید/ و صخره‌ها شکافت/
و از فیضان بخشش تو، فرات پر آب گشت/ و گورها شکافت و مردگان بیدار شدند / و
استخوان‌ها فریادها برآورد/ بزرگ است خداوندی که خون می‌بخشد، بخشنده باران/ آه دریغ
ای باران! / ای کاش از نو می‌خوابیدیم/ ای کاش از نو می‌مردیم/ چرا که خواب ما جوانه‌های
بیداری است/ و مرگ ما زندگی را پنهان می‌سازد.

اما اوج این احساس در شعر «غریب علی الخلیج»، نمایان می‌شود. این قصیده که در آن،
احساس واقعی شاعر تجلی می‌یابد، درد دل تمام کسانی است که از سرزمین خود دور مانده‌اند:
- «الرَّیْحُ تلهثُ بالهَجیره، كالجُثامِ علی الأَصیل / و علی القلوع تَظَلُّ تُطوی أو تُنشرُ للرحیل /
زَحَمَ الخلیجُ بهنَّ مُکندحونَ جوَّابو بحار / من کلِّ حافٍ نصفِ عاری.» (همان: ۱۸۱)

ترجمه: باد، از شدت گرما، له‌له می‌زند؛ همچون کابوسی در تنگ غروب/ و پیوسته بر بادبان‌ها می‌وزد و آنها را در هم می‌پیچد یا برای کوچ می‌گشاید/ خلیج، آکنده از بادبان است و نیز زحمت‌کشانی که دریاها را درمی‌نوردند/ از هر پابره‌نه و نیمه‌عریانی.

اگر بخواهیم بین اشعار سیّاب و قیصر در این موضوع مقارنه‌ای صورت بدهیم، باید بگویم که سیّاب، به خاطر اینکه در تمام دوران زندگی خود شاهد ظلم و خفقان در جامعه خویش بوده، قصائد بیشتری را نسبت به قیصر در این موضوع سروده است اما تفاوت مهم‌تر میان قیصر و سیّاب، در بیان این موضوع، اختلاف در میزان ژرف‌اندیشی آنهاست که نتیجه چگونگی استفاده آن دو از نماد، اسطوره و سایر صناعات بدیعی است. به نظر می‌آید که شعر سیّاب در این زمینه، عمق و تأثیر بیشتری نسبت به شعر قیصر داشته باشد زیرا سیّاب در این موضوع، از بار معنایی اسطوره‌ها و نمادها، بیشتر از قیصر بهره گرفته‌است؛ به‌عنوان نمونه، در قصیده «مرحی غیلان»، از اسطوره یونانی «سزیف» بهره برده تا رنجی را که در راه رسیدن به هدف و خواسته‌اش تحمل کرده و ناکام مانده است، به تصویر بکشد. «اسطوره‌ای که رنج در آن پایی رخ می‌دهد و سزیف، میان امید رساندن سنگ به قلّه کوه و ناامیدی سقوط سنگ به ته دره، در تب‌وتاب است.» (الضای، ۱۳۸۴: ۱۶۲)

«بابا...بابا/ یا سَلِّمِ الْأَنْعَامَ! أَيُّهُ رَغْبَةُ هِي فِي قَرَارِكِ؟/ «سزیف» يَرْفَعُهَا فَتَسْقُطُ لِلْحَضِيضِ مَعَ انْهَارِكِ/ یا سَلِّمِ الدَّمَّ وَ الزَّمَانَ: مِنَ الْمِيَاهِ إِلَى السَّمَاءِ.» (السیّاب، ۲۰۰۰: ۱۸۵)

ترجمه: پدر ... پدر/ ای نردبان ترانه‌ها و سرودها! کدامین انگیزه در عمق جانت وجود دارد؟/ سزیف آن را بالا می‌برد و با سقوط تو، به پستی نزول می‌کند/ ای نردبان خون و زمان، از آب‌ها تا آسمان.

استفاده از اسطوره‌های سندباد در قصیده «رحل النهار»، عازر در قصیده «مدینه السندباد» و تموز در قصیده «سوبروس»، از دیگر تلاش‌های سیّاب در جهت عمیق‌تر کردن معانی خود در این نوع از قصاید است.

۲-۲-۷- تشویق به مبارزه و جهاد در شعر قیصر

قیصر از نخستین شاعران انقلاب اسلامی است که پس از شروع جنگ تحمیلی، عاشقانه پا به عرصه دفاع مقدس گذاشت و با حضور در جبهه‌های جنگ، به خواندن اشعار خود برای روحیه‌دادن به رزمندگان می‌پرداخت و آنان را به مبارزه و جهاد تشویق می‌کرد و «با پایان یافتن جنگ، حسرت و دریغ جاماندن از کاروان شهیدان، تنهایی و غربت، شرم از شهیدان، جای خود را به شعر جهاد و مبارزه داد.» (صرفی و هاشمی، ۱۳۹۰: ۳۲۴)

قیصر در دوران جنگ، ایجاد شور و انگیزه در میان جوانان برای هجوم به سمت خط مقدم جبهه‌ها را وظیفه اصلی شعر خود می‌دانست، به طوری که در مجموعه «در کوچه آفتاب» که مقارن با پیروزی انقلاب سروده شده است، فصلی را به «جهاد» اختصاص می‌دهد و با بیانی حماسی، از مبارزه و جهاد در برابر دشمن سخن می‌گوید:

ای خصم مرا سر، سر جنگ است هنوز در چله خشم من خدنگ است هنوز
در ترکش اگر نمانده باشد تیری زنهار، مرا ناخن و چنگ است هنوز
(امین پور، ۱۳۶۳: ۵۹)

و در جایی دیگر از این مجموعه می‌گوید:

از گوشه چشم یک نظر اندازیم در خرمن دشمنان شرر اندازیم
یا خصم، خود از دست سپر اندازد یا ما زتنش، دست و سپر اندازیم

(همان: ۶۲)

اما ویژگی بارز اشعار قیصر در این موضوع، استفاده او از نماد و رمز است؛ نمادهایی با بهره‌گیری از مظاهر طبیعت و داستان‌های تاریخی و مذهبی که با زبانی ساده و قابل فهم به مخاطب ارائه می‌گردد. «قیصر در این گروه از شعرهای خود، نمادهایی را می‌سازد که گرچه شاید تکراری باشند، نحوه استعمال آنها با آنچه تاکنون شنیده‌ایم، متفاوت می‌نماید» (محقق، ۱۳۸۷: ۱۳۷)؛ به عنوان نمونه، در شعر زیر، شاعر با استفاده از مظاهر طبیعت، مانند «آب» و

«مرداب» و با شیوه‌های نمادین، «آب» را رمز جنبش و تحرک برای رسیدن به اصل وجودی خود و وصول به دریای کمال مطلق می‌داند و مخاطب را به مبارزه در مسیر تحقق انقلاب فرامی‌خواند:

– «روان و پاک و بی‌تایم، بی‌تاب / که گر ماندیم مردابیم، مرداب / تو گویی واژه «ماندن» ندارد / کتاب پیروان مذهب آب.» (همان: ۶۸)

در جایی دیگر، با استفاده از داستان حضرت ابراهیم (ع)، فرستادن جوانان کشور به سوی جنگ را به دستور قربانی کردن اسماعیل توسط ابراهیم از سوی خداوند تشبیه می‌کند:

دل در تب لیبک تاول زد ولی ما لیبک گفتن را لبی هم تر نکردیم
حتی خیال نای اسماعیل خود را همسایه با تصویری از خنجر نکردیم

(همان: ۸۸)

همچنین، در شعر «باد بی‌قراری»، با بهره‌گیری از داستان حضرت یوسف (ع)، سرنوشت رزمندگان شهید را با سرنوشت یوسف (ع) درمی‌آمیزد:

– «این بوی غربت است / که می‌آید / بوی برادران غریبم / شاید / بوی غریب پیرهنی پاره / در باد / نه! / این بوی زخم گرگ نباید با شد / من بوی بی‌پناهی را / از دور می‌شناختم: / ... / بوی پر کبود کبوتر را / در چاه ...» (امین‌پور، ۱۳۹۱: ۳۳۵)

۲-۸- تشویق به مبارزه و جهاد در شعر سیّاب

سیّاب برخلاف قیصر، شاهد جنگ کشورش با کشور دیگری نبود؛ بنابراین، نباید همانند قیصر در آثار او انتظار تشویق رزمندگان را به جهاد و مبارزه و در خط مقدم جبهه‌ها داشته باشیم اما این به آن معنا نیست که آثار او از این موضوع خالی است بلکه او با نگاهی

متفاوت، به این قضیه پرداخته است. سیّاب با محوریت تشویق هم‌وطنان خود به مبارزه و قیام علیه نظام فساد جامعه و استعمار اجانب، به این موضوع نگاه کرده است. اوج این نگاه را در دیوان سیّاب می‌توان پس از انتشار قصیده «المومس العمیاء» از سوی شاعر و آشکارشدن

گرایش قومیتی سیّاب در آن که منجر به اخراج او از حزب کمونیسم شد، مشاهده کرد. سیّاب، پس از آن، دارای گرایش سیاسی مستقلی شد؛ گرایشی که تمایل به قومیت عربی در آن، وضوح بیشتری داشت. (السیّاب، ۲۰۰۰: ۲۲) از مشهورترین قصاید او در این دوران، «بور سعید» و «فی المغرب العربی» است. شاعر در این قصاید، روح رستاخیز و جهاد را در دل ملت خویش می‌دمد و آنان را به مبارزه و جهاد تشویق می‌کند:

«... هتافُ یملاً الشّطآن: یا ودیاننا ثوری! / و یا هذا الدّمُ الباقی علی الأجیال / یا إرث الجماهیر / تشظّ الآن و اسحق هذه الأغلال / و كالزلزال / هُزّ النیر، أو فاسحقه و اسحقنا مع النیر.» (همان: ۲۱۶)

ترجمه: بانگی کرانه‌ها را پر کرده است: ای رودها بجوشید! / و تو ای خونی که در جان ملت جاری هستی / ای میراث آنها (ملت)! / اکنون فراگیر شو و این بندها را درهم شکن / و به‌سان زلزله / این یوغ را در هم کوب یا هم او و هم ما را نابود کن.
در جایی دیگر می‌گوید:

«آه یا امی عرفت الجوع و الآلام و الرعبا / و لم أعرف من الدنیا سوی ایام أعیاد / فتحت العین فیها من رقادی لم أجد ثوبا / جدیدا أو نقودا لامعات تملأ الجیبا / لأنّ أبی فقیرا کان / یا لك ثورۀ تتأکل القلبا / فأصرخ أیها الجبناء كفوا.» (همان: ۳۲۷)

ترجمه: آه ای مادر، گرسنگی و مصیبت‌ها و ترس را چشیدم / و از این دنیا جز روزهای عید، روز دیگری نشناختم / چشمانم را در آن از خواب باز کردم و نیافتم لباسی / تازه یا پول‌هایی درخشان که جیب را پُر کند / زیرا پدرم واقعاً فقیر بود / شگفتا که تو آتشی هستی در جان / پس فریاد برمی‌آورم: ای ترسوها دیگر بس است.

اما ویژگی بارز سیّاب در این قصاید، این است که او به‌طور مستقیم، ملت خود را به جهاد و مبارزه دعوت نمی‌کند بلکه با نشان‌دادن واقعیت‌های زندگی آنها و برداشتن پرده‌های غفلت از

جلوی چشمانشان، آنها را به قیام علیه واقعیت زندگی شان دعوت می کند. شاعر در ابتدای قصیده «فی المغرب العربی»، واقعیت مردم خویش را این چنین توصیف می کند:

- «قرأتُ اسمی علی صخره/ هنا، فی وحشهُ الصحراء/ علی آجره حمراء/ علی قبر. فكيف يحسُّ إنسانٌ یری قبره؟/ یراه و إنه لیحارُّ فیهِ: / أحيّ هو أم میت؟ فما یکفیه / أن یری ظلًا له علی الرمال ...» و در ادامه می گوید: «... فنحن جميعنا أموات...». (همان: ۲۱۵)

ترجمه: اسمم را بر روی صخره‌ای خواندم/ اینجا، در تنهایی بیابان/ بر روی آجرهای سرخ/ بر روی قبری. انسانی که قبر خویش را می بیند چه حالی دارد؟/ آن را می بیند و در حیرت می ماند: / آیا او زنده است یا مرده؟ و کفایت نمی کند برای او/ که سایه خود را بر روی شن‌ها مشاهده کند. «پس ما همگی مردگانیم...».

در قصیده «بور سعید»، با یادآوری گذشته درخشان ملت خویش آنان را به بیداری از خواب غفلت فرامی خواند:

نَحْنُ الَّذِينَ اقْتَلَعْنَا مِنْ أَسْفُلِهَا لَاءَ وَعُزَّى وَأَعْلَيْنَاهُ إِنْسَانَا

(همان: ۲۶۳)

ترجمه: ما همان کسانی هستیم که از گذشته خود، لات و عزّی را از جا کنده‌ایم و محبوب خود را بر جای آن نشانده‌ایم. در جایی دیگر می گوید:

- «جِیَاعٌ نَحْنُ مَرْتَجِفُونَ فِي الظُّلْمَةِ/ وَ نَبْحٌ عَنِ يَدِ فِي اللَّيْلِ تُطْمَعِنَا، تَغْطِينَا» (همان: ۲۶۲)

ترجمه: ما گرسنه‌ایم و در تاریکی به خود می لرزیم/ و در شب در پی دستانی هستیم که به ما غذا و جامه دهد.

۳- نتیجه‌گیری

«آزادی»، «صلح‌طلبی»، «بازتاب فساد و ستم جامعه» و «تشویق به مبارزه و جهاد»، برجسته‌ترین مضامین اجتماعی در شعر بدر شاکر سیّاب و قیصر امین‌پور است. بین این دو شاعر در پرداختن به این مضامین شباهت‌ها و تفاوت‌هایی وجود دارد:

در مقوله «آزادی»، امین‌پور با توجه به دوره‌های مختلف زندگی‌اش، برداشت‌های گوناگونی از این مفهوم دارد؛ «رهایی از قید اسارت دشمن»، «رهایی از قید تعلقات» و «رهایی انسان در معنی عام و مطلق» از نمونه‌های آن است اما سیّاب، محور اندیشه‌های خود را در این موضوع، در «آزادی از بند استعمار و دخالت بیگانه» قرار می‌دهد که خود نتیجه شرایط سیاسی و اجتماعی کشورهای عربی در آن دوران است. همچنین برای بیان این مفهوم، قیصر به استفاده از نمادها و صنایع بدیعی تمایل بیشتری نشان می‌دهد اما سیّاب به صراحت‌گویی گرایش دارد.

- در مقوله «صلح» نیز شاهد تفاوت‌هایی در نگاه این دو شاعر هستیم؛ قیصر برای تحقق یافتن صلح، در بیشتر موارد، منتظر منجی موعود و مصلح است تا صلح را در جهان برقرار کند اما سیّاب، بر این باور نیست. سیّاب، تحقق یافتن صلح را فقط در مبارزه با دشمن و قیام علیه تجاوزگران می‌داند.

- در بیان «فساد و ستم جامعه»، سیّاب به خاطر اینکه در تمام دوران زندگی‌اش شاهد ظلم و خفقان در جامعه خویش بوده‌است، نسبت به قیصر، قصاید بیشتری درباره این موضوع سروده‌است. همچنین، این دسته از اشعار او، عمق بیشتری نسبت به اشعار قیصر دارد زیرا از بار معنایی اسطوره‌ها و نمادها زیاد بهره گرفته‌است.

- در موضوع «تشویق به مبارزه و جهاد»، قیصر در دوران جنگ تحمیلی، این موضوع را وظیفه اصلی شعر خویش قرار داده ولی سیّاب، چون شاهد جنگی در کشورش نبوده، با محوریت «تشویق به قیام علیه فساد جامعه و استعمار اجانب» به این موضوع پرداخته‌است.

یادداشت‌ها

۱- این ابیات می‌تواند اشاره به این بیت مشهور ابوتمام داشته باشد که در مدح معتصم، بعد از فتح عموریه، سروده‌است: السیفُ أصدقُ إنباءٍ من الكُتُبِ! - فی حدّه الحدُّ بینَ الجِدِّ و اللُّعْبِ. (ترجمه: اخبار شمشیر، از گفته‌های کتاب‌های سحر و جادو صادق‌تر است و مرز بین جدی و شوخی را لبه آن مشخص می‌سازد). (ابوتمام، بی‌تا: ۳۱۱)

فهرست منابع

- کتاب‌ها

- ۱- ابوتمام. (بی‌تا). **الدیوان**. شرح خطیب تبریزی، تحقیق محمد عبد عزّام. مصر: دار المعارف.
- ۲- امین پور، قیصر. (۱۳۹۱). **مجموعه کامل اشعار قیصر امین پور**. چاپ نهم. تهران: مروارید.
- ۳- _____ (۱۳۶۳). **در کوچه آفتاب**، ج ۱. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۴- بلاطه، عیسی. (۲۰۰۷). **بدر شاکر السیاب؛ حیات و شعره**. چاپ هفتم. بیروت: المؤسسة العربیة للدراسات و النشر.
- ۵- پطرس، أنطونیوس. (بی‌تا). **شاکر السیاب شاعر الوجد**. بی‌جا.
- ۶- جحا، میثال خلیل. (۱۹۹۹). **الشعر العربی الحدیث**. بیروت: دار العودة.
- ۷- سویدان، سامی. (۲۰۰۲). **بدر شاکر السیاب و ریادة التجدید فی الشعر العربی الحدیث**. بیروت: دار الآداب.
- ۸- السیاب، بدر شاکر. (۲۰۰۰). **اعمال الشعریة الكاملة**. چاپ سوم. بغداد: دار الحریة.
- ۹- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۰). **شعر معاصر عرب**. تهران: سخن.
- ۱۰- الضاوی، احمد عرفات، (۱۳۸۴ هـ ش). **کارکرد سنت در شعر معاصر عرب**. ترجمه سید حسین سیدی. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ۱۱- محقق، جواد. (۱۳۸۷). **شکفتن در آتش**. تهران: هنر رسانه‌ای اردیبهشت.

۱۲- نعمان، خلف رشید. (۱۴۲۶ هـ ق). **الحزن فی شعر بدر شاكر السیاب**. بیروت: دار العربیة للموسوعات.

- مقاله‌ها

- ۱- ابوالقاسمی، سیده مریم و علیه پور، شهلا. (۱۳۸۸). «بررسی جلوه‌های اندیشه در شعر قیصر امین پور». تاریخ ادبیات. شماره سوم، صص ۳۱-۵۲.
- ۲- اقتصادی‌نیا، سایه. (۱۳۸۹). «مروری بر کارنامه شعر قیصر امین پور». نامه فرهنگستان. شماره دوم، صص ۴۱-۵۳.
- ۳- صرفی، محمدرضا و هاشمی، سید رضا. (۱۳۹۰). «دفاع مقدس، تعهد و تحول در شعر قیصر امین پور». ادبیات پایداری کرمان. شماره چهارم، صص ۱۲۴-۱۴۰.
- ۴- علی‌زاده، ناصر و باقی‌نژاد، عباس. (۱۳۹۱). «قیصر امین پور و رویکرد نوستالژیک». بوستان ادب. شماره دوم، صص ۹۰-۱۱۷.
- ۵- فتوحی، محمود. (۱۳۸۷). «سه صدا، سه رنگ، سه سبک، در شعر قیصر امین پور». ادب پژوهی. شماره پنجم، صص ۷۹-۹۳.